

می‌کنند، عکس وسیله‌ای است برای رسیدن به یک غایت. این غایت چیزی نیست مگر انتشار: بازآفرینی فتنی زبان تصویری عکس به صورتی که دردسترس مخاطبان هرچه بیشتری قرار گیرد.

عکاسی سه جنبهٔ مختلف دارد:

- **خلاق.** هنر عکاسی که گروه نسبتاً اندکی از آماتورها و حرفه‌ای‌ها دست‌اندرکار آن هستند.

- **تجاری.** تولید تصویرهای کارکردی به وسیلهٔ افراد حرفه‌ای برای مقاصد خاص نظیر آگهی، تبلیغات، اطلاعات و انتشارات.

- **تفنی.** هنر و فتنی که میلیون‌ها نفر آماتور را به خود مشغول کرده است. آماتورهایی که بسیاری از آنان کار خود را از حرفه‌ای‌ها هم جدی‌تر می‌گیرند.

عکاسی خبری برخی از ویژگی‌های دو جنبهٔ نخست را درهم می‌آمیزد. نکتهٔ مهم و اساسی درمورد عکاسی خبری این است که خود عکس غایت تلاش عکاس نیست؛ بلکه انتشار آن است. این تطبیق ناگزیر با ملزومات مطبوعات به عکاسی خبری شکل داده است و برای دست‌اندرکاران آن، محدودیت‌ها، مقررات و درعین حال خرسندی زیادی به وجود می‌آورد.

\*\*\*

عکاس خبری کار مشخص و ویژه‌ای دارد. او به عنوان نمایندهٔ گروه کثیری از خوانندگان روزنامه یا مجله، بایستی لحظات حساس و زودگذر رویدادی را، با عکسهایی که می‌گیرد، گزارش کند. هدف یک عکاس خبری، انتشار یک عکس یا یک سلسله عکس است که واقعی

## عکاسی خبری: بیان واقع به زبان عکس

عکاسان خبری، مشاهده‌گران انسان‌ها و وقایع اند که آنچه را روی می‌دهد، به زبان عکس بیان می‌کنند؛ روایان اخبار و حوادث که ابزار کارشان دوربین عکاسی است و پیامشان از طریق تصویرهای چاپ‌شده انعکاس می‌یابد. مخاطبان‌شان شامل خوانندگان روزنامه‌ها و مجله‌های سراسر جهان‌اند. موضوع کارشان جهان ما و مردم جهان ماست. تصویر عکاسی شده، مستقیماً با ذهن مخاطبان رابطه برقرار می‌کند و از سدهای زبان و ملیت درمی‌گذرد. برای کسانی که این فرم ارتباط را تجربه

و دارای بیانی مستقیم و کارا باشد. این عکس [یا سلسله عکس] واقعه‌ای را که مورد علاقه جامعه است، گزارش می‌کند یا شخصیتی مشهور را عرضه می‌دارد. بیان کننده کشمکش، تراژدی یا احساسات عمیق است. عکاس خبری که با اخبار و رویدادها سروکار دارد و در زیر فشار وقایع کار می‌کند، با زمان در جدال است؛ او بایستی در پی جوهر واقعه باشد، آن را ضبط کند و فیلم عکس را به شتابی هرچه تمام‌تر چاپ نماید.

پیشرفت‌هایی که در فن پی‌گیری اخبار حادث شده است، به این معنی است که عکاس خبری بایستی چیزی بیش از این که به موقع در محل حضور داشته باشد، انجام دهد. او لازم است که در عین حال هنرمند، فن‌شناسی قابل و گزارشگر باشد؛ به خودش بیاموزد که درون بینی ذاتی و حساسیتی نسبت به رویدادهای خبری داشته باشد تا عکس‌هایش، اخبار را به زبان بشری و به صورت ارزش‌های احساسی بیان کنند. خوانندگان مجله‌ها و روزنامه‌ها چنین عکسهایی را تمجید می‌کنند.

عکاس خبری وقتی بیش از همیشه موفق است که این سه واقعیت اساسی در کارش وجود داشته باشد:

حضور: باید خودش را به موقع به جایی که رویدادی جریان دارد برساند.

غریزه: باید بداند که در چه زمانی عکس بگیرد.

پیش‌بینی: باید برای پی‌گیری واقعه آمادگی داشته باشد، هم از نظر ذهنی و هم از لحاظ ابزار

کار.

مسئله حضور عکاس در صحنه واقعه، بستگی به نوع واقعه دارد. برای پی‌گیری حوادث منطقی‌ای، اتوموبیل‌های رادیودار مفیدند. در برخی موارد نظیر جریان سیل، آتش‌سوزی، کشتی‌شکستگی یا فجایعی از این قبیل، هلیکوپتر، هواپیما یا قایق موتوری لازم است. وسایل مدرن ارتباطی، عکاس را در جریان اخبار می‌گذرانند. تلفن، تلگراف، تلویزیون و رادیو برای آگاهی از اخبار و محل وقوع حوادث به کار می‌روند. برای رویدادهای دیگری که مربوط به جریان‌های سیاسی و ورزشی یا مراسم راهپیمایی می‌شود، اطلاع قبلی در کار است و حضور عکاس در زمان وقوع بارزترین لحظه رویداد، بستگی به تیز بودن خود او دارد.

تشخیص و ضبط لحظه قاطع و تعیین کننده و این که کی برای عکس‌گرفتن مناسب‌ترین لحظه است، تا حدود زیادی به غریزه عکاس مربوط است. همه کس می‌تواند فوت و فن کارکردن با دوربین عکاسی را یاد بگیرد. حس وقوع حوادث هم بر اثر تجربه تشدید می‌شود. اما فقط یک عکاس خبری برجسته است که از لحظه ناخودآگاه خبر دارد و جان واقعه را درمی‌یابد؛ واکنشی غریزی که به او امکان می‌دهد تصویری از اوج شکل‌گرفتن یک واقعه ضبط کند.

\*\*\*

پی‌گیری یک واقعه زودگذر، پیش‌بینی و آمادگی می‌خواهد. از نظر فنی، عکاس خبری باید همیشه وسیله کارش را حاضر و آماده و صحیح و

ماندگار می‌شوند. در این صفحات، ما تعدادی از بهترین عکس‌های خبری شصت ساله اخیر را که بیش از همه چاپ شده و مورد تحسین قرار گرفته‌اند، به عنوان نمونه می‌آوریم. برخی از این عکسها به خودی خود شاهکارند و برخی دیگر بیشتر بخاطر اهمیت وقایعی که منعکس می‌کنند، با ارزش‌اند. در هر آلبومی که برگزیده‌ای از بهترین عکسهای خبری جهان باشد، اغلب این عکسها را خواهید دید:

سالم همراه خودش داشته باشد. از نظر ذهنی، او باید همیشه هشیار و با زمینه واقعه‌ای که در جریان است، آشنا باشد. اسم اشخاص درگیر در ماجرا را بداند، سیر حوادث را پیش‌بینی کند و خودش را برای لحظه ناگهانی یا خارق‌العاده‌ای که صحنه بارزترین عکس خواهد بود، آماده کند.

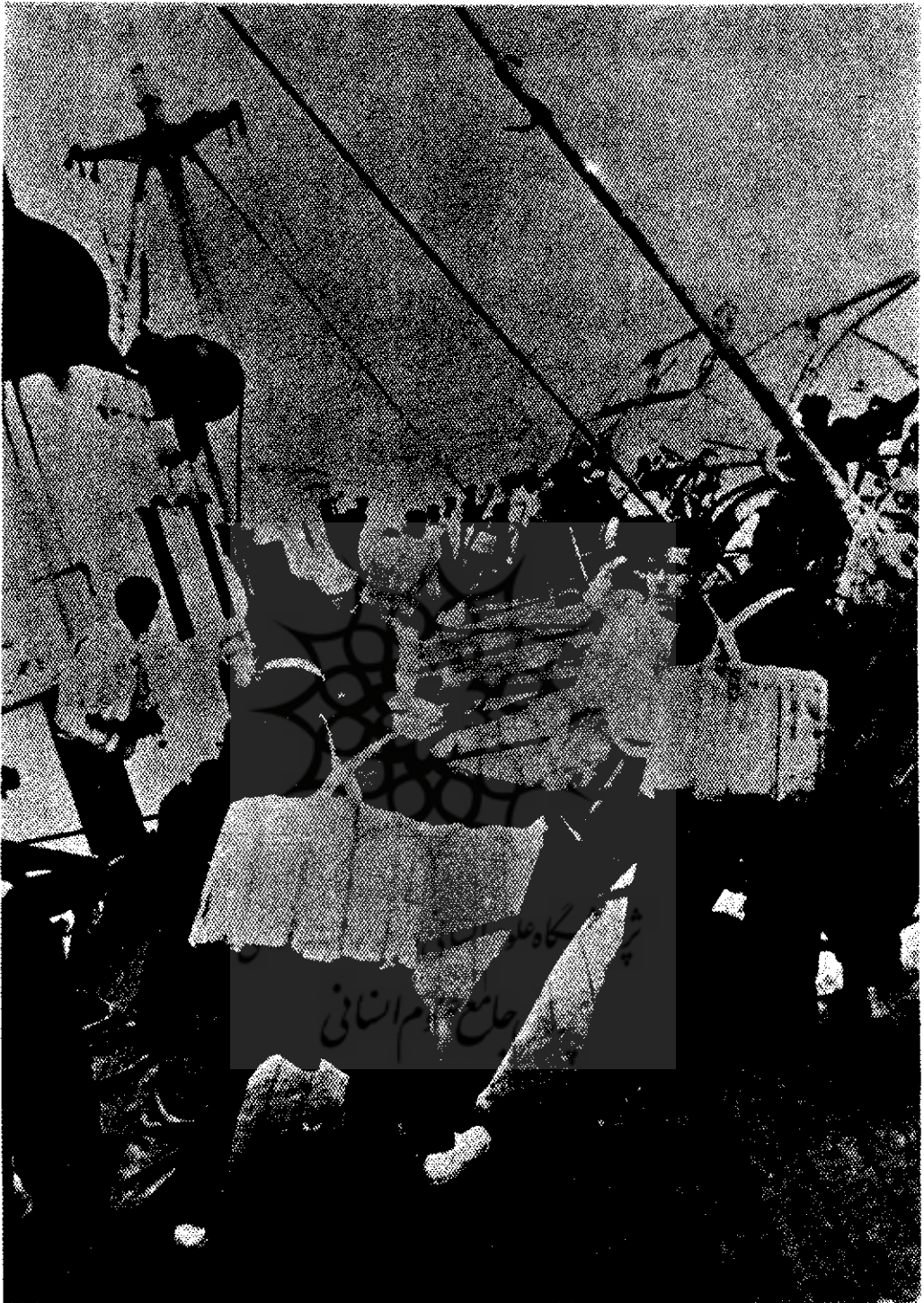
عکاس خبری هنگام کار لازم است با شکیبایی عمل کند و داور خوبی باشد. بایستی تحت شرایط نامساعد، آرام و خونسرد باشد و با مردم، سیاستمداران رفتار کند. برخورد او با مردم و وقایع، لازم است رفتاریک مشاهده‌گر باشد و نه یک مداخله‌گر. هیچ‌گاه نباید در موقعیتی که موضوع عکاسی است، درگیر شود.

کسی که به یک عکس خبری خوب نگاه می‌کند، باید احساس کند که دارد واقعیت را می‌بیند. نباید از وجود عکاس و دوربینش آگاه شود. در شرایط ایده‌آل، این حالت در صورتی به وجود می‌آید که عکاس به آرامی، سریع و با حداقل لوازم و ابزار کار کند. به این دلیل، عکاسان خبری، دوربین‌های کوچک‌تر را ترجیح می‌دهند. واضح است که عکاسی با دوربین سنگین دست و پاگیر نمی‌تواند در مقابل رویدادی زودگذر واکنشی سریع داشته باشد. عکاس با به‌کاربردن دوربین کوچک‌تر، آزادی عمل بیشتری برای پی‌گیری واقعه دارد و عکسهای متنوع‌تری می‌گیرد و برای انتخاب از میان آنها دستش بازتر است.

\*\*\*

بسیاری از عکسها به خاطر طبیعت نمادین یا اهمیت وقایعی که بازگو می‌کنند، در ذهن ما

■ یکی از گیراترین عکسهای کشتی‌شکستگی را یکی از کارکنان کشتی «و ستریس» گرفت؛ عکاسی آماتور که دوربینش را درست پیش از سوارشدن بر کشتی خریده بود. «و ستریس» در سواحل ویرجینیای آمریکا، در دوازدهم نوامبر ۱۹۲۸ غرق شد.

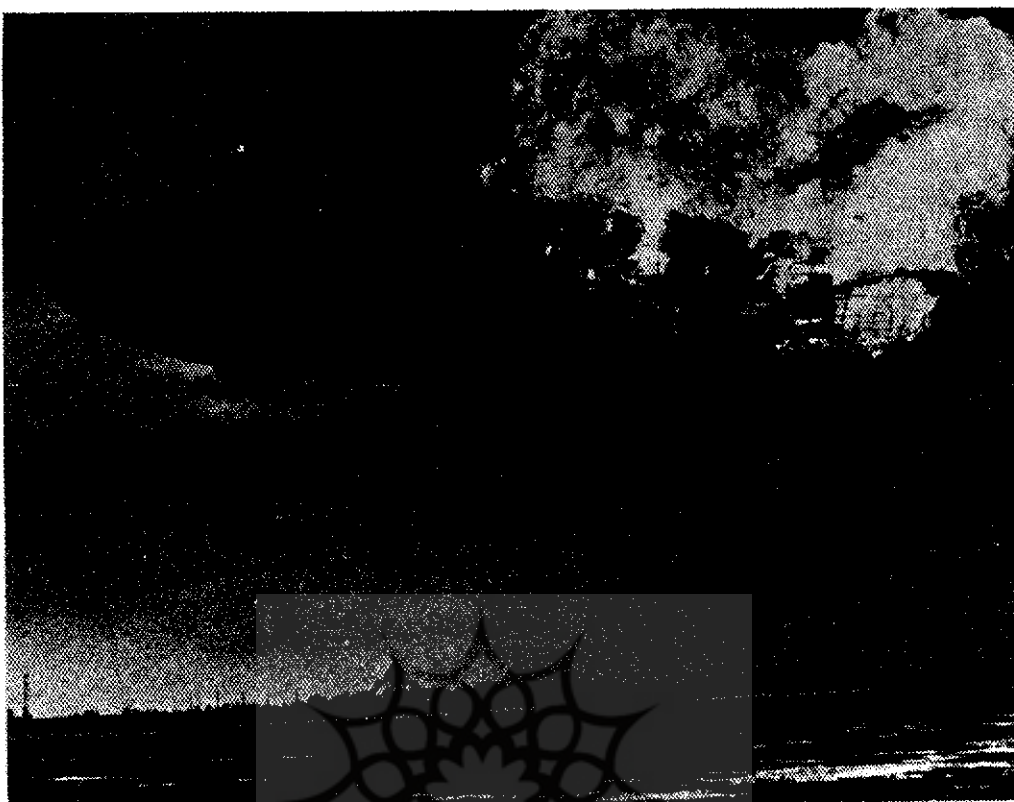


سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



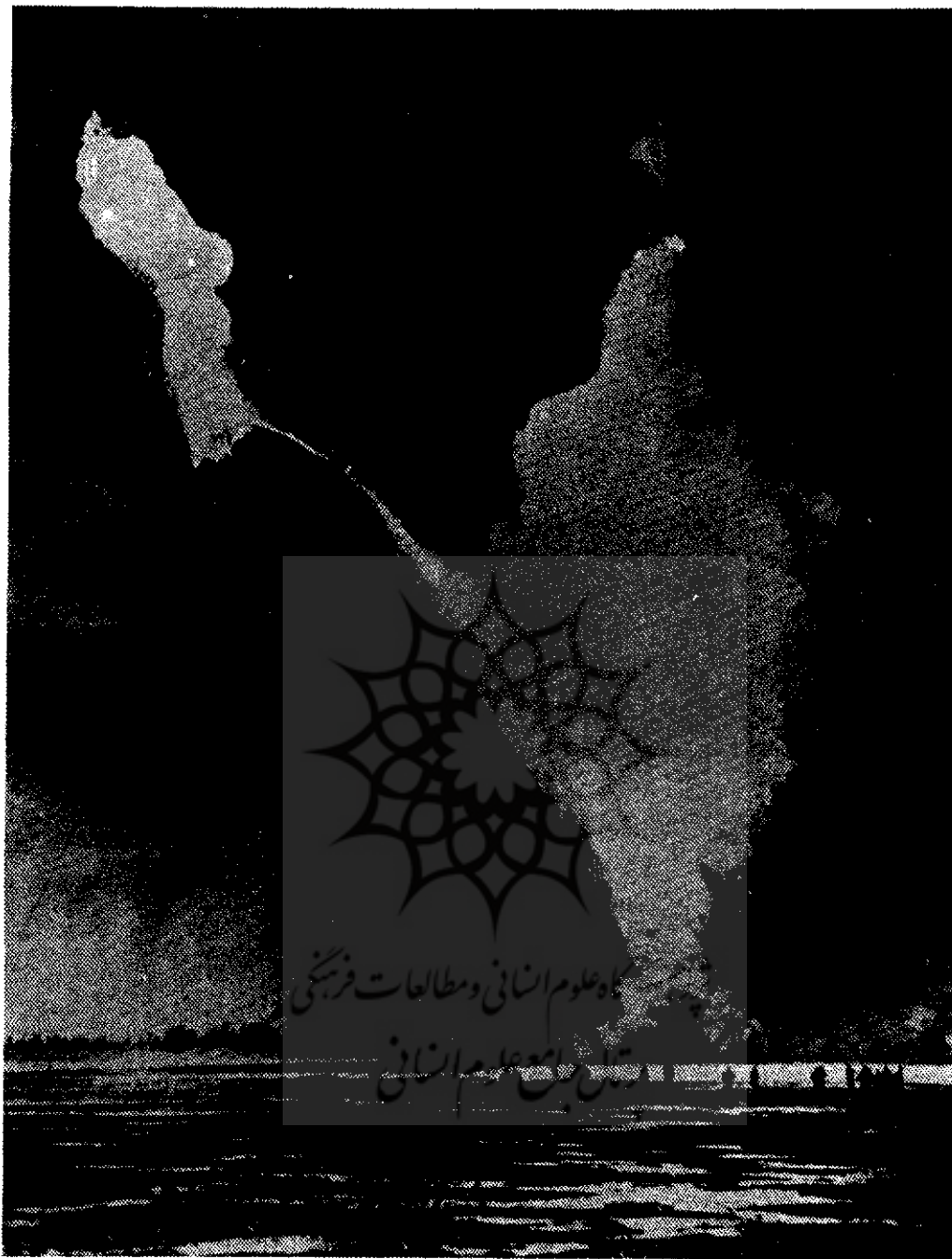
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

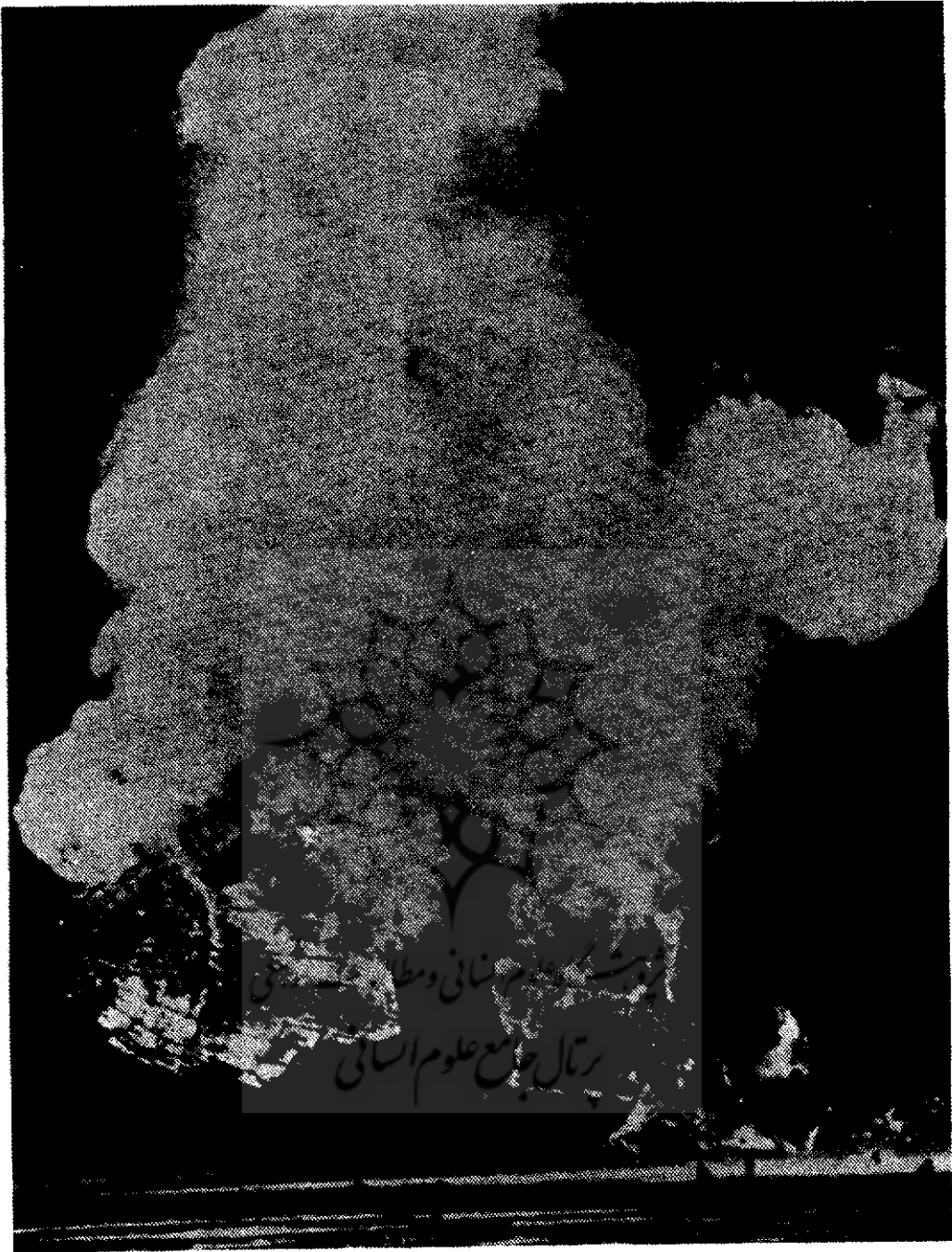
■ این عکس که از لحظه سوگند به رهبر سوسیالیست ژاپنی،  
 اینه جیر آسانوما، در دوازدهم اکتبر ۱۹۶۰ گرفته شده، برندهٔ جایزهٔ  
 پولیتزر در عکاسی خبری شد. عکاس، یاسوشی ناگانو از  
 روزنامه‌های ماینچی توکیو بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

■ هنگامی که سفینه هوایی آلمانی «هیندنبرگ» به محل فرودش در «لیک هرست» نیوجرسی نزدیک می‌شد (۱۹۳۷)، عکاسان آنجا حاضر بودند تا از مراسم فرود عکس بگیرند. یکی از آنان درست در لحظه انفجار سفینه عکس برداشت و باز، پنج ثانیه بعد، همین که به زمین مماس شد، عکسی دیگر، و همین که کاملاً منهدم گردید، عکس آخر را برداشت.





موسسه تحقیقات زمین‌شناسی و معادن  
کتابخانه ماسخ علوم اساسی





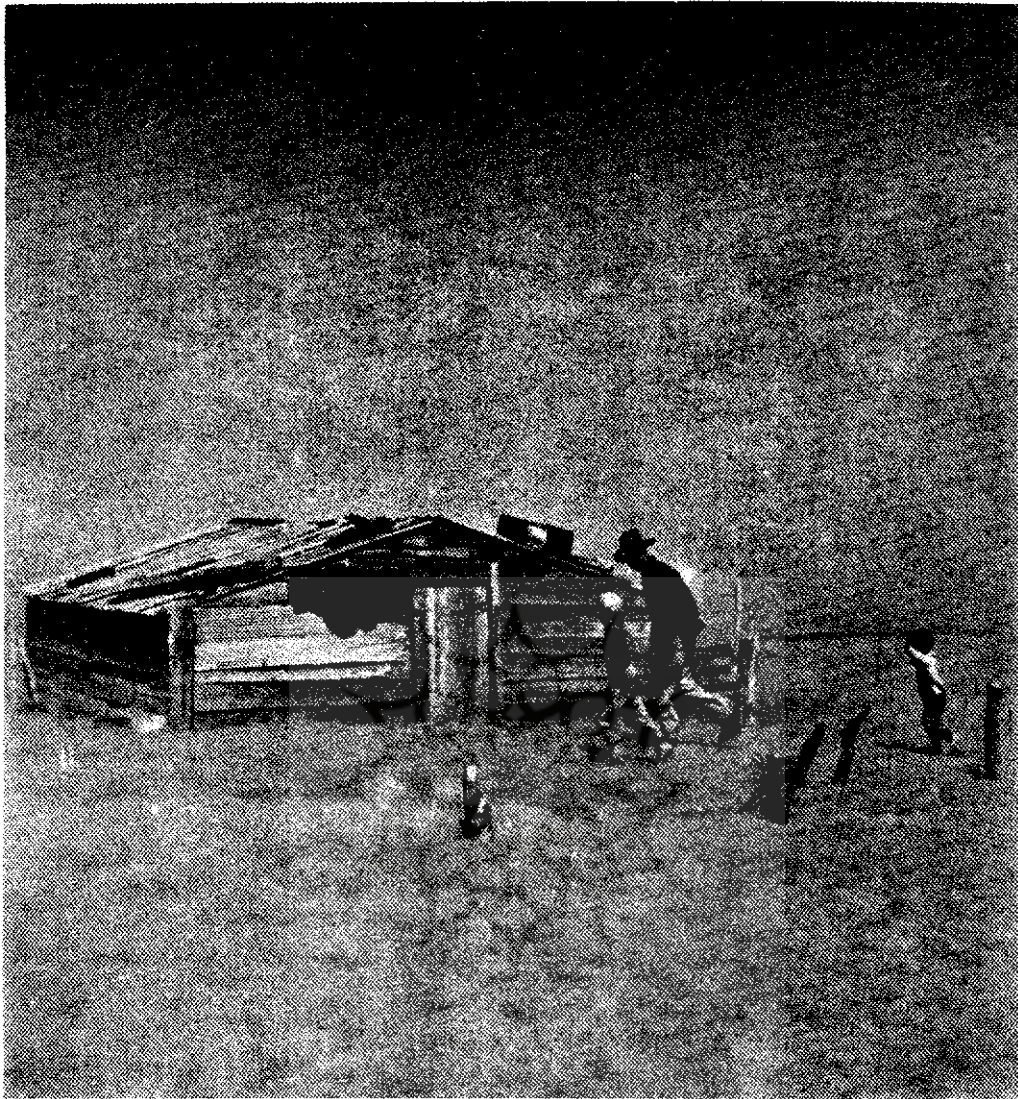
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

■ خودسوزی یک رهبر بودایی در سایگون، نمونه برجسته یک عکس خبری فوق‌العاده است که ملکم براون، گزارشگر خبرگزاری «آسوشیتدپرس»، گرفته. با این که میلیون‌ها کلمه درباره این قضیه نوشته شده بود، تأثیر این عکس بود که توجه جهانیان را به بحران ویتنام جلب کرد و مسیر تاریخ را تغییر داد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

■ تصویر این کودک چینی که در خرابه های یک ایستگاه  
بمباران شده در شانگهای (در زمان اشغال چین توسط ژاپنی ها)  
گریه می کند، نماد رنج و فلاکتی عظیم تلقی می شود؛ با این که  
عکاس، در واقع، این بچه را از مادرش «قرض گرفته» و صحنه را  
برای عکس مهیا کرده است.



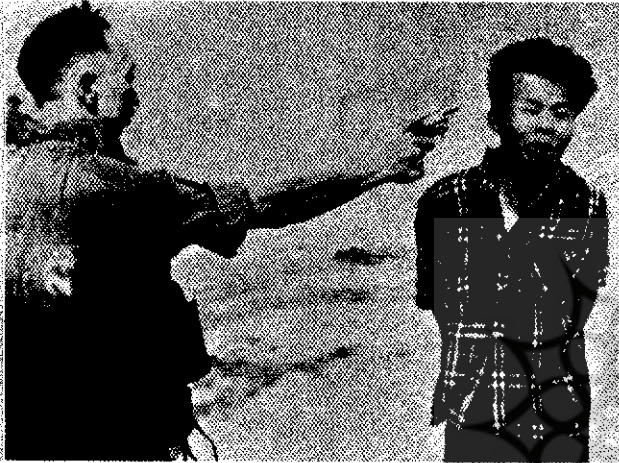
پرتال جامع علوم انسانی

■. این عکس (کنار آرتور روتشتاین) که زارعی را با پسرش در جریان یک توفان شن در ایالت اوکلاهامای آمریکا نشان می‌دهد، نماد آشکاری از یک فاجعه طبیعی است.



■ پدر لوئی مانوئل پادپلا یک تفنگدار دولتی را که در جریان درگیری‌های خونین شورش علیه پرزیدنت بتانکورت، در یکی از خیابان‌های پورتوکابلا (ونزوئلا) زخمی شده، نگه داشته است. بیش از دوست نفر پیش از سرکوب این شورش، کشته شدند.

این سلسله عکسهای ادی آدامز، گزارشگر خبرگزاری «آسوشیتدپرس»، داستان غم انگیز مرگ یک ویتکنگ مشکوک را در پیاده روی یکی از خیابانهای سایگون بازگویی کند. این واقعه در اول فوریه ۱۹۶۸ روی داد؛ زمانی که ویتکنگها و نیروهای شمالی، حمله گسترده‌ای برای تسلط بر پایتخت ویتنام جنوبی آغاز کرده بودند. از قرار معلوم، این افسر ویتکنگ پس از یک نبرد طولانی در منطقه «آن کوانگ پاگودا» دستگیر شده بود. لباس شخصی پوشیده بود و تپانچه‌ای با خود داشت. جراحی‌های سطحی هم داشت.



■ اسیر با دستهایی که از پشت بسته شده، در میان تفنگداران ویتنامی پیش می‌رود. تفنگدار سمت راست تپانچه‌ای را که از اسیر گرفته‌اند، به دست دارد.

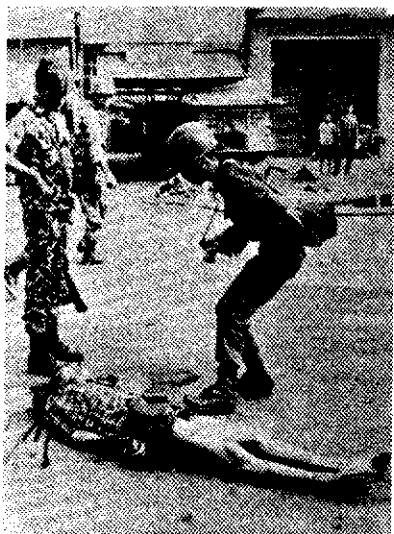
■ لوان به تفنگداران می‌گوید کنار بایستند، تپانچه‌اش را میزان می‌کند و گلوله‌ای به سر اسیر شلیک می‌کند. این عکس بسرنده جایزه پولیتزر سال ۱۹۶۹ شد.



■ لوان اسلحه‌اش را غلاف می‌کند



■ ویتکنگ مشکوک را نزد رئیس پلیس ملئی، سرلشکر نگوین نگوک لوان می‌برند.



■ عکاس جنگی از جسد عکس می‌گیرد



■ لوان صحنه را ترک می‌کند و سربازی به اسیر که در حال جان‌کندن است، می‌نگرد.



■ جسد ویت‌کنگ مشکوک را می‌برند.



■ خون روی سطح پیاده‌رو جاری است. سرلشکر لوان در سمت راست دیده می‌شود که دارد می‌رود.